اسرائیل باطل مطلق

پیام امام موسی صدر به دوره ششم مجلس ملی فلسطین

بسم الله
الرحمن
الرحيم

فهرست

پیشگفتار ٤

اسرائیل باطل مطلق ۱۳

تهیه شده در واحد تولیدمحتوای معاونت
سیاست‌ورزی سازمان بسیج دانشجویی

@geraa_ir

معاونت سیاست‌ورزی

پیشگفتار

یکی از مسائل بسیار مهم که امام موسی صدر در خط مشی سیاسی و دینی خود در لبنان سخت بر آن پای می‌فشرد، مسئله فلسطین بود. کسی که می‌خواهد خط مشی امام موسی صدر را بررسی کند، ناگزیر باید حضور پررنگ مسئلهٔ فلسطین و خطرهای طرح صهیونیستی در سخنان امام موسی صدر و نیز هشدارهای او برای ایستادگی در برابر این طرح و جلوگیری از سرایت آن به دیگر نقاط جهان عرب را نیز در نظر بگیرد.

امام موسی صدر از همان نخستین عرصهٔ جهاد خود یعنی جبل عامل در جنوب لبنان دریافت که مردم جنوب قربانی هم‌پیمانی شوم میان محرومیت اجتماعی و تجاوزهای پی در پی اسرائیل از قبل از شکل‌گیری دولت صهیونیستی در سرزمین فلسطین در سال ۱۹۴۸ هستند. امام دریافت که مردم جنوب لبنان از کشتارهای اسرائیل در امان نیستند. کشتارهای حولا و صلحا در سال ۱۹۴۷ نمونه‌هایی بود که پیش از جنایات دیر یاسین و طنطوره رخ داد.

اسرائیل باطل مطلق

امـام می‌دیـد کـه ایـن کشـتارها سرنوشـتی مشـترک بـرای مـردم جنـوب و مـردم فلسـطین رقـم مـی‌زد و از ایـن رو بـود کـه امـام همبسـتگی میـان محرومـان «در» سـرزمین و محرومـان «از» سـرزمین را مطـرح کـرد. امام موسـی صـدر در ادبیـات اصلاحـی و جهـادی و مقاومتی خـود، همـه عناویـن مربـوط بـه فلسـطین را بـه کار بـرد؛ عناوینـی همچـون فقـر، آوارگـی، بی‌خانمانـی، مقاومت، شـهادت و جانفشـانی در برخـورد بـا خطرناک‌تریـن طرحـی کـه جهـان اسـلام بـا آن رو بـه رو بـود.

او در عین حال که قبول داشت ملت فلسـطین در خط مقـدم تـلاش بـرای آزادسـازی فلسـطین و ایسـتادگی در برابـر اسـرائیل قـرار دارد، مسـأله فلسـطین را مسـأله هر انسـان مسـلمان و آزاده می‌دانسـت و بـر ایـن اسـاس او را نـه تنهـا مسـئول حمایـت از مقاومـت فلسـطین، کـه مسـئول پیوسـتن کامـل بـه صـف مقاومـت و تعهـد نسـبت بـه آن می‌شـمرد.

امـام در عرصـهٔ نظـری و فکـری، مسـئلهٔ فلسـطین را در متـن میثـاق جنبـش محرومـان (امـل) گنجانـد. در بنـد ششـم ایـن میثـاق کـه زیربنـای فکـری بـرای عضویـت سـازمانی اسـت، آمـده اسـت: «فلسـطین، سـرزمین

مقدسی که دستخوش همه انواع ستم‌ها بوده و هست، در قلب و جان جنبش ما جا دارد و تلاش برای آزادسازی آن مهم‌ترین وظیفه ماست و ایستادن در کنار ملت فلسطین و پاسداری از مقاومت آنان و همبستگی با آنان مایه شرافت جنبش و برخاسته از ایمان آن است؛ به ویژه آنکه صهیونیسم خطری برای حال و آینده لبنان و خطری برای ارزش‌هایی که به آن ایمان داریم و همچنین خطری برای همه انسانیت است. صهیونیسم، همزیستی فِرق در لبنان را چالشی همیشگی برای خود و رقیبی نیرومند برای رژیم اسرائیل می‌داند.»

امام موسی صدر در عرصه عملی نیز با تشکیل دادن گروه‌های مقاومت لبنان «امل» گسترده‌ترین تلاش را برای به خروش درآوردن محافل شیعی لبنان به کار بست و گفت: «نمی‌خواهم منتظر بمانم تا اسرائیل جنوب را اشغال کند و آن‌گاه مقاومت را پایه‌گذاری کنم.»

او مقاومتی پیش‌گیرانه و پیشی‌جویانه را خارج از چارچوب‌های گروه‌های سازمان آزادی‌بخش فلسطین و ارتش‌های عربی پایه‌گذاری کرد تا بر بعد مردمی مقاومت تأکید کند و نشان دهد که

هـر کشـور عربـی بایـد مسـئولیت آماده‌سـازی کامـل و ایجـاد سـازمان‌های مقاومـت در برابـر اسـرائیل را بـر دوش بگیـرد تـا بـار آن تنهـا بـر دوش فلسـطینیان نباشـد.

امـام موسـی صـدر بـه ضـرورت افزایـش نـگاه حـرام انگارانـه بـه اسـرائیل و تقویـت همـه عوامـل دخیـل در جنـگ بـا اسـرائیل ایمـان داشـت کـه در رأس همـه آن‌ها ضـرورت تقویـت مانـع روحـی ـ روانـی در این نبـرد بود. او در ایـن راسـتا هـر گونـه بـه رسـمیت شـناختن اسـرائیل یـا همـکاری بـا آن را حـرام شـمرد و گفـت: «اسـرائیل شـر مطلـق اسـت و تعامـل بـا آن حـرام اسـت.» وقتـی اسـرائیل دیـوار حسـن نیـت را در مـرز فلسـطین و لبنـان برپـا کـرد تـا از ایـن راه بـا سـوء اسـتفاده از بی‌توجهـی دولـت لبنـان بـه شـهروندان جنـوب، در بافـت جنوبـی روسـتاهای مـرزی نفـوذ کنـد، امـام صـدر بـه حـرام بودنِ گرفتـنِ حتـی یـک دانـه قـرص (دارو) از اسـرائیل فتـوا داد و ایـن را ترجیـح مـی‌داد کـه انسـان بمیـرد ولـی از اسـرائیل کمـک نگیـرد. بدیـن ترتیـب امـام موسـی صـدر پـای رابطـه بـا اسـرائیل را بـه میـدان محرّمـات شـرعی و دینـی کشـانید. امـام صـدر یقیـن داشـت کـه حمایـت از

مقاومت فلسطین یک واجب شرعی است و همو بود که مقاومت را خیر مطلق می‌خواند. امام در سال ۱۹۶۹ که مقاومت فلسطین در آغاز راه قرار داشت و ضعیف و آواره بود، مراسم افطاری در اوتیل الکارتون برپا کرد و در آن به جمع‌آوری کمک‌های داوطلبانه برای انقلاب فلسطین پرداخت. او همچنین تلاش کرد از مرجع بزرگ شیعیان در نجف اشرف آیت الله سید محسن حکیم، فتوای جواز پرداخت خمس به جنبش فتح و مقاومت فلسطین را بگیرد. او قدس را محور جنگ و مبارزه و بزرگ‌تر از یک دهکده یا شهر و بلکه عنوانی برای آینده و سرنوشت منطقه می‌شمرد و می‌گفت: «قدس قبله ما، کانون ارزش‌های ما، عینیت‌بخش وحدت ما و معراج رسالت ما (محل عروج پیامبر ما) است. قدس مقدس‌ترین و مهم‌ترین مسئلهٔ ماست.» امام موسی صدر کرامت مسلمانان را در گرو آزادی قدس می‌دانست و چیرگی صهیونیست‌ها بر آن و اعمال حاکمیت برای یهودی‌سازی آن و پایتخت قرار دادن آن را مایه ننگ و خواری مسلمانان می‌شمرد و می‌گفت: «زندگی ما بدون قدس ذلت و خواری است.» او ایمان داشت

اسرائیل باطل مطلق

که سازش یا مذاکره یا سرسپردگی به بلوک شرق یا غرب، قدس را باز نخواهد گرداند بلکه آزادی قدس در گرو چیزی بود که امام موسی صدر درباره آن می‌گفت: «ای اباعمار! بدان که شرافت قدس جز این را برنمی‌تابد که به دست مؤمنان شرافتمند آزاد گردد.» گویا او چالش‌های هراس‌انگیز و آینده سیاهی را که در انتظار این شهر مقدس بود، می‌دید. امام صدر آشکارا با طرح صهیونیستی، دشمنی کرد زیرا طرحی غاصبانه و ظالمانه بود که با تجربهٔ لبنان متناقض بود. او می‌گفت: «ما اسرائیل را نخستین دشمن خود و خطری فرهنگی و تمدنی و اقتصادی و سیاسی بر ضد خود می‌دانیم.» در جای دیگر نیز گفت: «ما اسرائیل را شر مطلق می‌دانیم.» و «در دنیا چیزی بدتر از اسرائیل وجود ندارد. اگر اسرائیل و شیطان با یکدیگر بجنگند ما در کنار شیطان می‌ایستیم.»

از نظر امام موسی صدر اسرائیل، این ستم‌پیشه تجاوزکارِ اشغالگر باید از صفحه وجود حذف شود، آنجا که گفت: «از بین بردن اسرائیل امری الهی است.» و گفت: «انقلاب فلسطین تنها راه به سوی سرزمین مقدس است. انقلاب فلسطین شعله مقدسی است

که خداوند برای پشتیبانی از خلق خود و برای کرامت این امت و نابودی دشمنان آنکه دشمنان انسانیت‌اند، برافروخته است.»

امام صدر سازشگری و مذاکره و پناه بردن به محافل بین المللی و سرسپردن به این طرف و آن طرف را رد می‌کرد و می‌گفت: «ملت فلسطین بیست سال انتظار کشید ولی هیچ کس در دنیا با آن منصفانه برخورد نکرد و همه، حتی مؤسسات بین المللی آن را فراموش کردند و از این رو ناگزیر شد خودش عهده‌دار مشکل خودش شود و برای بازگشت به سرزمین خود بهایی سنگین پرداخت، یعنی فدا کردن یک نسل کامل.»

در زمانی که تنش‌های مذهبی و جنجال‌های فرقه‌ای حکمفرما است و مسأله فلسطین هیچ بهره‌ای از مسلمانان ندارد، این سخن امام صدر در یادها می‌آید که «شیعیان معضل فلسطین را معضل خود می‌دانند و بر این باورند که تا زمانی که دشمن صهیونیستی، که به خاک آنان چشم طمع دوخته، در فاصلهٔ چند ده متری آن در کمین نشسته است، هیچ گونه امنیتی به دست نخواهد آمد.»

اسرائیل باطل مطلق

امام موسی صدر چقدر دوراندیش و دورنگر است که می‌گفت: «باید تلاش کنیم تا اسرائیل همواره دشمن باقی بماند.» زیرا او می‌دید که زمانی که فلسطین جایگاه محوری خود در جهان عرب و جهان اسلام را از دست دهد، آنان به صورت فرقه‌ها و گروه‌هایی به جان یکدیگر خواهند افتاد، همان گونه که امروز شاهد آن هستیم.

امام موسی صدر استوارترین رابطه‌ها را با رهبران مقاومت فلسطین به ویژه جنبش فتح برقرار کرد و همواره پشتیبان و خیرخواه آنان بود و می‌گفت: «تکیه‌گاه حقیقی انقلاب فلسطین عمامه من و محراب و منبر من است.» او با فرو رفتن مقاومت فلسطین در گرداب بحران لبنان و سوء استفادهٔ هر کدام از طرف‌های لبنانی از آن، مخالفت می‌کرد. از نظر او قبلهٔ مسلمانان باید فلسطین باشد و باقی بماند. می‌گفت: «بازگشت به فلسطین، نماز ما و ایمان ما و دعای ماست و ما در این راه هر چیزی را تحمل می‌کنیم و با تحمل سختی‌ها در این راه به خداوند تقرب می‌جوییم.»

به امام موسی صدر ستم کردند و پندهایش را

نشـنیدند ولـی بسـیاری از کسـانی کـه بـا او مخالفـت می‌کردنـد، بعدهـا در تجربـه خـود بـا او بازنگـری و مواضـع خـود را نسـبت بـه او اصـلاح کردنـد. در عیـن حـال او بـه خاطـر مقاومـت هـر تاوانـی را بـه جـان می‌خریـد و می‌گفـت: «مـن بهـای اخـلاص بـالای خـود نسـبت بـه مقاومـت را پرداختـم. مـن در برابـر وظایـف و مسـئولیت‌ها احسـاس زیان‌دیدگـی نمی‌کنـم، چـون کارهـای مـن برخاسـته از ایمـان مـن اسـت.»

در ایـن زمـان کـه بـا آغـاز عملیات بـزرگ طوفـان القدس، دوبـاره فلسـطین در راس توجهـات جهانیـان قـرار گرفتـه اسـت و دوران بسـیار سـختی را سـپری می‌کنـد؛ در ایـن شـرایط، سـیره و خـط مشـی امـام موسـی صـدر را بـه خاطـر آوریـم کـه در نمـاز و دعـا و عمـل خـود و در همـه عرصه‌هـای جهـاد خویـش شـعار فلسـطین را سـرمی‌داد، زیـرا او ایمـان داشـت کـه مشـروعیت و اسـلامیت و ملیّـت هـر گروهـی، بـه میزانِ مطـرح بـودن مسـاله فلسـطین در آن بسـتگی دارد چـرا کـه از نـگاه امـام صـدر نادیـده گرفتـن فلسـطین یـا دسـت کشـیدن از قـدس بـه معنـای دسـت کشـیدن از دیـن اسـت.

اسرائیل باطل مطلق

آنچه در ادامه می‌خوانید پیام امام موسی صدر با نام «اسرائیل باطل مطلق» به دوره ششم مجلس ملی فلسطین است. این نشست در سال ۱۹۶۹ میلادی در قاهره برگزار شد. امام موسی صدر این پیام را توسط نماینده ویژه خود به دبیرخانه این مجلس ارسال کرد. این پیام در جلد دوم کتاب گام به گام با امام صفحه ۱۶۱ آمده است.

اسرائیل باطل مطلق

برادران مجاهد،

درود و رحمت خداوندی که تسلیم شدن را برای بندگانش نمی‌پسندد، بر شما باد. در این نامه قصد آن ندارم که شما را به جهاد و فداکاری تشویق کنم، که شما جان خود را فدای امت خویش و روح خود را وقف حق و کرامت کرده‌اید؛ همچنان‌که نیازی نمی‌بینم امید به پیروزی را در دل‌های شما برانگیزم که شما امید را در شبِ تاریكِ ناامیدیِ این امت برافروخته‌اید. می‌خواهم فرصت را غنیمت بشمارم و برداشت خود را از ابعاد انقلابتان و

بازتاب‌های جهادتان را برای شما بازگو کنم و تأکید کنم که کنفرانس ملی شما به ملت مبارز فلسطین اختصاص ندارد بلکه از این چارچوب فراتر می‌رود و وضع همهٔ امت را دربرمی‌گیرد و به تاریخ و جغرافیای جهان پیوند می‌خورد و حتی از زمین درمی‌گذرد و به آسمان می‌رسد.

ای رزمندگان دلاور، انقلاب شما فقط انقلاب ملتی ستمدیده نیست، بلکه انقلاب امت بر ضد گذشتهٔ نزدیک و دور خود است؛ همان امتی که خطر را حس کرد، ولی در برابر آن خاموش ماند و تنبلی کرد و با ظلم همراه شد و بدین‌ترتیب، ظالم نیرومند و استوار شد و پایگاه تاریکی را در خاستگاه نور بنا گذاشت. انقلاب شما انقلابی است بر ضد دنیایی که صهیونیسم را ندید یا نادیده گرفت و آن را پدید آورد و پرورش داد و همواره از آن پشتیبانی کرد تا بزرگ شد و دیگران را درید و پدر و مادر خود را نیز خواهد درید و بازماندهٔ انسانیت موجود در جهان را بر باد خواهد داد.

آری، اسرائیل زاییدهٔ تمدن سرکش مادی و نتیجهٔ حتمیِ مبانی تمدن غربی و طغیان خودخواهانهٔ بشری است

اسرائیل باطل مطلق

که در پایان قرون وسطا بر پایهٔ انکار خدا و ارزش‌ها بنا گذاشته شد و این، طغیان در ستمگری بود تا بدانجا که آسایشِ وجدانِ دروغینِ او با دست یازیدن بر دیگر ملت‌ها حاصل می‌شد.

رژیم اسرائیل نماد کامل این تمدن از نظر انحصارطلبی و بهره‌کشی و تفرقه‌افکنی نژادپرستانه و تعصب‌های دینی و ستمگری و اشغالگری و سنگدلی است.

انقلاب شما انقلابی است در برابر گمراهی فراگیری که عقل‌ها و دل‌ها را تسخیر کرده و سبب شده است که به شکل احمقانه‌ای دربارهٔ ستمگری و قتل و آوارگی بیندیشند. انقلاب شما انقلاب حق است که همچون سپیدهٔ صادق اندک اندک می‌دمد و گسترش می‌یابد و بر تاریکیِ این شبِ دراز فائق می‌آید و دنیا را سراسر نور و امید و حرکت سازنده و هوشیارانه می‌کند.

انقلاب شما انقلاب در برابر نژادی است که کفر ورزید و طغیان کرد و پیامبران را به ناحق کشت و احادیث و آموزه‌های دروغین جعل کرد و برضد صدها هزار تن از مؤمنان توطئه چید و ادیان را تحریف و حقایق را مسخ و تاریخ را تحریف کرد و به فساد و انحراف و

بی‌بندوباری دامن زد.

شما ای سپاهیان دلیر خداوند، با جهاد خود خدا را تسبیح می‌گویید و او را از صفاتی که صهیونیسم برای خداوند می‌پندارد، منزه می‌دارید؛ صفاتی همچون فرق گذاشتن میان مخلوقات، جانبداری در برخوردها، دست بسته بودن، پیمان‌شکنی در ملکوت، به خطا رفتن در رسالت، متهم بودن پیامبران و عملی کردن وعدهٔ خود به آتش و آهن. شما نمی‌پذیرید که خداوندِ بخشنده و مهربان را به بیزار بودن و دشمنی داشتن با اکثریت مخلوقاتش وصف کنند.

شما دستور حضرت مسیح را اجرا می‌کنید که فرمود: «قدس را به دست سگان و خوکان ندهید.» شما انتقام او را می‌ستانید، زیرا مسیح را متهم به دروغ‌گویی کردند و درصدد کشتن او برآمدند. شما مریم پاکدامن را تقدیس می‌کنید که به او اتهام زدند و داغدار فرزندش کردند.

شما این پیش‌گویی قرآن را محقق می‌سازید که: «ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَآءُوْا بِغَضَبٍ

اسرائیل باطل مطلق

مِّنَ اللَّهِ»[1] و از دستورات پیامبرِ بیم‌دهنده اطاعت می‌کنید.

شما به سوی سرزمینی در حرکتید که خداوند به آن برکت بخشیده و آن را پاکیزه ساخته است؛ به سوی شهر مقدسی که خاستگاه ادیان و تمدن‌های بشری است و تمدن‌ها در آن با یکدیگر پیوند خورده‌اند؛ به سوی زادگاه مسیح و عروج‌گاه محمد(ص) و سرچشمهٔ دانش و مدنیت در سپیده‌دم تاریخ انسان.

خون شهیدان شما کرامت عرب را آبیاری می‌کند و حیات را به ادیان و ارزش‌های انسانی بازمی‌گرداند. دشمن شما نماد باطل، همهٔ باطل، است و انقلاب شما باید حق، همه حق را عینیت بخشد.

برادران قهرمان، این‌ها ابعاد انقلاب مقدس شماست. این‌ها مفاهیم جهاد دشوار و طولانی شماست. اگر سنگینی و دشواری کارِ شما از همهٔ دیگر انقلاب‌ها بیشتر است، به سبب تلاش شما برای تناسب داشتن هدف و وسیله است. آیا هیچ انقلابی دشوارتر از انقلاب خود و هیچ جهادی

۱ «مقدر شد بر آن‌ها خواری و بیچارگی و با خشم خدا قرین شدند.» (سوره مبارکه بقره، آیه ۶۱)

خطرناک‌تر و نفس‌گیرتر از جهاد خود سراغ دارید؟ آیا انقلاب مردم ویتنام بر ضد استعمار آمریکا این‌گونه بود؟ آمریکا خود بازیچهٔ دست صهیونیسم جهانی است و به اندازهٔ اسرائیل امکانات برای گمراه‌گری و سیطره بر عقل مردم و جلب عواطف عمومی به سوی خود در اختیار ندارد.

وقتی استعمار فرانسه با انقلاب الجزایر مقابله می‌کرد، خود مردم فرانسه نیز با این اقدامِ دولتِ خود مخالفت می‌کردند و همه می‌دانیم که رهبر بزرگ فرانسه به سبب موضع‌گیری بر ضد انقلاب الجزایر در آستانهٔ مرگ (ترور) قرار گرفت. اما دشمن شما از وجدان بی‌بهره است. آیا طی این بیست سال از درون یا بیرون اسرائیل جز گزافه‌گویی و تندروی شنیده‌اید؟ آن‌ها همگی تاریکی و سیاهی هستند.

ای دلیرمردان، انقلاب شما بزرگ‌تر از انقلاب طبقاتی و فراگیرتر از مبارزه بر ضد فساد و کفر و ژرف‌تر از ایستادن در برابر تعصب‌ورزی دینی و سرسخت‌تر از جنگ نژادی است. انقلاب شما انقلابی است بر ضد همهٔ انواع و ابعاد باطل و سنگین‌ترین انقلاب بر ضد خطرناک‌ترین دشمن جهان به‌شمار می‌آید.

اسرائیل باطل مطلق

برادران قهرمان، بابت این‌همه است که من معتقدم انقلاب شما بیش از دیگر انقلاب‌ها به فضیلت و بزرگی نیاز دارد، چراکه نیت خالصانه و تلاش بزرگوارانه شما را به خداوند، سرچشمهٔ قدرت وحق و هوشیاری، نزدیک می‌گرداند و مسئلهٔ شما را به وجدان‌های بیدار دنیا وارد می‌کند.

شما ای سلحشوران، بزرگ هستید و نیازی به خودبزرگ‌بینی ندارید. شما بدون هیچ گزافه‌گویی انسان‌هایی باعظمت هستید که بدون توسل به عوام‌فریبی، دل صدها میلیون نفر را از آنِ خود ساخته‌اید. قدرت شما در برحق بودن شما و در همراهی وجدان بشری با شما و در هم‌سویی عواطف میلیون‌ها عرب با شما و در حمایت میلیون‌ها انسان از شماست.

برادران عزیز، من صدای برادران شما در جنوب لبنان، یکی از نیرومندترین پایگاه‌های شما و یکی از مهم‌ترین خاستگاه‌های شما، را به گوش شما می‌رسانم.

ما در محنتی جانکاه و حیرتی ابهام‌آلود به‌سر می‌بریم. دشمن شما که دشمن ما نیز هست با

حمله‌ها و تهدیدها و گشتی‌های خود شروع به فسادانگیزی کرده و آیندهٔ ما و این پایگاه (جنوب لبنان) را که تأثیری سرنوشت‌ساز بر شما دارد، در معرض تهدید قرار داده است.

این محنت ناشی از وجود مقاومت یا فعالیت‌های آن در سرزمین ما نیست که اگر چنین بود حملات دشمن را با بردباری و قدردانی و خوشنودی تحمل می‌کردیم. این محنت به سبب رفتارهای خودسرانهٔ گروه‌هایی است که مدعی عملیات چریکی هستند. آنان از نام شما سوءاستفاده و با اندوخته‌های شما سوداگری کردند و مردم را به مبارزه طلبیدند و بر ضد شما تحریک کردند.

آنان با ایجاد هرج‌ومرج و حمله‌های حساب‌نشدهٔ خود واکنش جهانی را بر ضد شما برانگیختند و در لبنان نیز بی‌گناهانی را که دوستدار شما بودند، با چالش روبه‌رو کردند.

آنان با فعالیت‌های خاص سیاسی‌شان باری بر بار سنگین شما می‌افزایند و اندوختهٔ بزرگ شما را بر باد می‌دهند تا جایی که مردم را دربارهٔ اهتمام شما به لبنان و احترام به حاکمیت

اسرائیل باطل مطلق

و تمامیت ارضی آن به تردید انداخته‌اند. برادران، پایدار ماندن لبنان به سود شماست و آزادسازی فلسطین نیز آیندهٔ لبنان را نجات می‌دهد. پس پیش به سوی همدلی و یک‌پارچگی و وحدت کلمه و سازمان‌دهی کارها و فعالیت‌ها و پیش به سوی پاسداری از خون‌های پاکی که به سبب خراب‌کاری‌های عده‌ای بر این سرزمین مقدس ریخته می‌شود.

پیش به سوی آینده ای مجاهدان قهرمان، به امید دیدار در میدان نبرد و در مسیر حرکت و در قدس مقدس.
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.


KILL FOR
FREE PA